

دقیقی در تحقیقات مستشرقان

ایرج افشار

مستشرقین به دو مناسبت از دقایقی یاد کرده‌اند.

یکی ذکر اوست در مواضعی که موضوع سخن تاریخ ادبیات فارسی و ذکر شاعران این زمان است و طبعاً چون دقایقی یکی از پیشگامان شعرای زبان دری بوده است نامش در میان دیگر شاعران ضبط می‌شود و معمولاً احوال او بر اساس مندرجات تذکره‌ها و بر اساس استنباط از حدود یک‌هزار و دو بیست بیت شعر که از او باقی مانده است گفته می‌آید، ولو آنکه کاملاً اشاره‌وار باشد. نظیر آنچه در فهرستهای مربوط به نسخ خطی بطور طردالباب دیده می‌شود.

مناسبت دیگر که وجهی و شمولی وسیع‌تر دارد از باب ذکر و بحثی است که متعین اروپا در احوال فردوسی و شاهنامه کرده‌اند و هر کدام از آنها الزاماً به تحقیق در سیر شاهنامه‌سرایی بطور عموم و تجسس در تاریخ شاهنامه موجود بطور اخص پرداخته است از یاد دقایقی هم به مناسبت هزار بیتی که او سروده شافل نمانده است.

به همین جهات ممکن نیست که در يك خطابه کوتاه به همه مواردی که نام دقایقی و یاد او در نوشته‌های شرق‌شناسان ملل مختلف آمده است اشاره شود و دقائق هریک جدا جدا گفته آید و حق هریک بجای خوش محفوظ بماند. پس ناچارم اهم تحقیقات را بر شمرم.

ضمناً باید دانست که چون میدان تحقیق در احوال دقایقی بسبب قلت آثار بازمانده شاعر و عدم تفصیل احوال او در منابع موجود قدیم محدود است مستشرقین در تحقیقات خود به نتایج روشن و وسیعی نرسیده‌اند.

نخستین کوشش محققان غرب در معرفی دقایقی از همان موقع آغاز شد که لمسدن

Lumsden از سپاهیان انگلیسی مقیم هند نخستین مجلد شاهنامه را در سال ۱۸۱۱ مسیحی در کلکته به چاپ رسانید و لمسدن خود یکی از آنها بود.

پس از و کسان دیگری که به طبع شاهنامه پرداختند در مقدمه‌های خود ناگزیر حق تقدم دقیقی، در پرداختن به حماسه ملی و منظوم ساختن یکهزار بیت آن را متذکر شده‌اند و می‌دانیم که چاپ کنندگان دوره شاهنامه در خارج از ایران به ترتیب زمانی ترترماکان T. Maccan انگلیسی (کلکته ۱۸۲۹)، ژول موهل J. Mohl آلمانی-الاصل (پاریس میان سالهای ۱۸۳۷ - ۱۸۷۸ یعنی در مدت چهل سال)، یوحنافولرس J. Vullers آلمانی (لیدن ۱۸۷۸) بوده‌اند. قبل از انتشار متنی که فولرس از شاهنامه تهیه کرد یکی از مستشرقین آلمانی موسوم به هرمان اته H. Ethé میان سالهای ۱۸۷۲ و ۱۸۷۵ به انتشار دو مقاله به زبان آلمانی که در آنها از دقیقی یاد کرده بود موفق شد. اولی مقاله‌ای بود درباره فردوسی تحت عنوان *Firdausi als Lyriker* (۱۸۷۲) و دیگری مقاله‌ای بود در موضوع پیشروان و معاصران رودکی (۱۸۷۵) *Rudagi's Vorlauffer und Zeitgenossen*

اته یکی از نخستین کسانی است که بحث درباره زردشتی بودن دقیقی را اساس مطالعه در باب شاعر قرار داد و باتکیه به اینکه دقیقی به استناد اشاراتی که در ابیاتش دیده می‌شود زردشتی بود سرودن شاهنامه را بیشتر ناشی از حس و توجه شاعر به عوامل روحی و فکری او عنوان کرد.

بعد از تحقیقات اته که به زبان آلمانی عرضه شده بود، پیتری ایتالیایی I. Pizzi یکی از مستشرقان سرشناس عهد خود در سال ۱۸۸۷ در کتابی که به عنوان *Manuale di Letteratura Persiana* در شهر میلان انتشار داد به اجمال تمام به سهم دقیقی در پیدا شدن متن حماسه ملی ایرانیان اشاره کرد. این نوشته حاوی هیچ مطلب تازه‌ای در احوال دقیقی نبود. همین پیتری هفت سال بعد در اثر دیگری باز به دقیقی پرداخت که در جای خود بدان اشاره می‌شود.

از میان فرانسویان دارمستر Darmestter مستشرق مشهور در چند جای از آثار مختلف خود از دقیقی یاد کرده و احتمالاً اولین بار در کتاب *مبادی شعر فارسی Les Origines de La poesie persane* باشد که در ۱۸۸۷ در پاریس منتشر شد.

در سال ۱۸۹۲ تئودر نلدکه Th. Noldeke که به راستی اعجوبه بلندقدر مطالعات ایرانی بود در جلد دوم مجموعه تحقیقات مربوط به زبان فارسی *Persische Studien* که در شهر وین انتشار یافت ضمن بحثی درباره شعر فارسی از سهم دقیقی در حماسه ایران بحث کرد و همانطور که چند سال بعدتر هم در رساله حماسه ملی ایرانیان توجیه کرد با

قاطعیتی تمام موضوع زردشتی بودن دقیقی را یکی از مباحث اصلی بحث خود قرار داد. در سال ۱۸۹۴ پیتری ایتالیائی که نامش به‌میان آمد و گفته شد که در تألیفی اجمالی به‌دقیقی اشاره کرده بود در کتاب مفصلی به‌نام تاریخ شعر فارسی *Storia della poesia Persiana* که در دو مجلد به‌زبان ایتالیائی در شهر تورینو از شهرهای ایتالیا به‌چاپ رسید اطلاعات مختصری را که تا آن‌زمان مستشرقان دیگر هم دربارهٔ دقیقی منتشر ساخته بودند در کتاب خود مندرج ساخت.

در همین سال ۱۸۹۴ اجزائی از جلد دوم کتاب *اساس فقه اللغة ایرانی* که از امهات آثار مستشرقان آلمانی در زمینهٔ ایرانشناسی به‌معنای اخص آن بود و دنباله‌اش تا سال ۱۹۰۴ کشید در دسترس محققان قرار گرفت.

یکی از فصول این اثر به «تاریخ ادبیات ایران» اختصاص داشت. این قسمت نوشتهٔ هرمان اته و همان کتاب است که ترجمهٔ فارسیش توسط مرحوم دکتر رضازاده شفق نشر شده است. اما اته هم نکته تازه‌ای دربارهٔ دقیقی نتوانست اظهار کند. او به‌مثل اسلاف خود معتقد به زردشتی بودن دقیقی بود.

جزء دیگری از جلد دوم همین کتاب *اساس فقه اللغة ایرانی* که در سال ۱۸۹۶ نشر شد حاوی شاهکار کم‌همتای تئودر نلدکه به‌نام *حماسه ملی ایران Das iranische Nationalpos* بود که تحقیقات مربوط به فردوسی و پیشروان او و بحث در اساس تفکر حماسهٔ اقوام ایرانی را برای اول‌بار بصورتی استوار و بسیار عالمانه عنوان کرد و توجه عموم شرق شناسان را بنحو وسیعی به‌سوی افقهای جدید جلب کرد. البته نلدکه در این اثر هم ضمن بیان معلوماتی که از تفحص در منابع متعدد به‌دست آورد عقیدهٔ خود را در باب زردشتی بودن دقیقی که پیشتر از آن نیز بیان کرده بود تأکید کرد. اثر نلدکه یکبار هم در سال ۱۹۲۰ تجدید چاپ شد و ترجمهٔ فارسی استواروزیبای آن که توسط بزرگ علوی انجام شده است در دسترس است.

ناگفته نگذارم که نلدکه در یک جا از تحقیقات خود اشارات یا انتقادات تند و تلخ گونهٔ فردوسی نسبت به‌دقیقی را (در آنجا که فردوسی حدیث خواب خود را به‌میان می‌آورد و نلدکه آن را تصویری شاعرانه می‌داند نه از باب بیان حقیقت) دور از نفرت می‌داند یعنی فردوسی را در نظرهای انتقادی صائب نمی‌شمارد.

در سال ۱۸۹۷ کتابی انتشار یافت که از یک حیث ولی بطور غیر مستقیم باحوال دقیقی مرتبط می‌شد. این کتاب لغت *فرس اسدی طوسی* است که به‌وسیلهٔ پل‌هرن آلمانی *P. Horn* در برلین طبع شد. هر ن یکی از مستشرقینی است که دقیقی را زردشتی می‌دانست، ولی به قول براون نه به‌قاطعیت نلدکه و اته.

همینجا عرض کنم که هرن در سال ۱۹۰۹ که کتاب «تاریخ ادبیات فارسی» *Gesihichte der persische Literature* او در لپنزیگک نشر شد همین عقیده را در آن کتاب هم اظهار کرده بود.

ادوارد براون E.G. Browne که اولین مجلد از اثر پایدارش به نام تاریخ ادبیات ایران *A Literary History of Persia* در سال ۱۹۰۲ انتشار یافت و از همان آغاز انتشار میان اهل تحقیق پذیرفته آمد در دو صفحه از آن کتاب به احوال دقیقی پرداخت و ضمن بازگویی و بازبینی آنچه در کتب و مآخذ قدیم ایرانی دیده بود تا حدودی هم به آراء مستشرقان پرداخت. پس از آن شمه‌ای کوتاه در باب ممدوحین دقیقی آورد و مصرحاً برخلاف پیشینیان خود اظهار عقیده کرد که دقیقی زردشتی نبوده است. این اول بار بود که در قبال عقاید ندکه و اته و هرن، یکه‌تازی دلیر به میدان درآمد و نظری مخالف اجماع مؤلفان و مستشرقان دیگر ابراز کرد. ترجمه قولش اینطور است :

« گمان می‌کنم به این شعر زیاد اهمیت داده‌اند و بیش از حد جایز آن را ملاک دانسته‌اند. ستایش دقیقی از آیین زردشتی منحصر به یک نکته است و آن اجازه و تصدیق باده‌نوشی است. »

از میان مستشرقان روس و. و. بارتولد V.V. Barthold در سال ۱۹۱۳ مقاله‌ای دربارهٔ حماسه‌های زبان فارسی منتشر ساخت. این همان مقاله است که به علت اهمیت و کمالتش توسط مستشرق مشهور آلمانی ه. شدر H. Scheader به آلمانی ترجمه و در مجلهٔ انجمن مستشرقان آلمان (ZDMG) جلد ۹۸، سال ۱۹۴۴ طبع شد.

در سال ۱۹۱۳ نخستین مجلد از چاپ اول دائرةالمعارف اسلام انتشار یافت. درین دائرةالمعارف ذیل تخلص دقیقی Dakiki پنج شن سطری به احوال او اختصاص یافت. این اولین بار بود که نام دقیقی در یک دائرةالمعارف اروپایی وارد می‌شد، در حالی که نام فردوسی و اقران او سالها قبل از آن در دائرةالمعارفهای دیگر مقام سزاوار خود را یافته بود. مقاله کوتاه دائرةالمعارف اسلام به قلم کلان هوار Cl. Huart مستشرق فرانسوی بود.

ا.و. جاکسون A.V. Jackson مستشرق امریکائی و استاد مشهور دانشگاه کلمبیا که مؤسس واقعی رشتهٔ ایران‌شناسی در امریکا کسی جز او نیست در سال ۱۹۲۰ در کتابی که بنام *Early Persian poetry from the beaginnings to the time of Firdausi* در نیویورک به چاپ رسید اشاره‌ای به دقیقی کرد. این کتاب عالمانه‌ترین اثری بود که تا آن وقت در باب ادبیات فارسی در امریکا انتشار می‌یافت.

۵. شدر که نامش پیش از این به‌مناسبت ترجمه مقاله بارتولد به‌میان آمد در سال ۱۹۳۲ مقاله‌ای تحت‌عنوان «آبادیقی زردشتی بود؟» (War Daqiqi Zoroastri) در جشن‌نامه مستشرق مشهور جرج یاکوب G. Jacob به‌اهتمام T. Monzel در لایپزیک نشر شد به‌چاپ‌رسانید. او با بازگویی عقایدی که اسلافش در باب زردشتی بودن دقتی گفته بودند مطلب را به‌صورت مستقل و مستحکم از نو طرح کرد، ولی با توجه به آثار دقتی و دقت در هنرهای شاعری او استدلال کرد که خود دقتی زردشتی نبوده است. چون شدر یکی از مشخصین مشترکان و از مطلعین این طبقه در زمینه مطالعات مربوط به فرهنگ ایرانی پیش از اسلام بود عقیده‌اش موجب شد که عده‌ای از مستشرقان بعدی مانند یان ریپکا و ژیلبر لازار در تحقیقات خود به‌استدلالات او استناد کنند.

در سال ۱۹۳۵ هانری ماسه H. Massé کتابی تحت‌عنوان حماسه‌های ملی ایرانی فردوسی و حماسه ملی Les épopées Persanes Fordausi et l'épopée nationale منتشر ساخت که طبعاً اشاراتی را درباره دقتی در برداشت. در همین سال از ای. ای. برتلس Bertels ایرانشناس شوروی در رساله شعر فارسی، ذکر دقتی را بطور نسبتاً مبسوطی آورد. این همان تحقیق است که در سال ۱۹۶۰ تجدید طبع شد.

در زبان ترکی، دقیق‌ترین تحقیق از آن مستشرق علامه آلمانی هلموت ریتز H. Ritter است. ریتز این تحقیق را برای روایت ترکی دائرة المعارف اسلام Islam Enciklopedesi تهیه کرد و جزئی که حاوی شرح حال دقتی است در سال ۱۹۴۵ انتشار یافت. ریتز هم قویاً با نظر قدمائی که دقتی را زردشتی دانسته بودند مخالفت کرده است.

ناگفته نماند که بنابر اشاره احمد آتش ایرانشناس ترکیه در حواشی ترجمان البلاغه رادویانی آقای حمید نطقی از هموطنان خودمان رساله تحصیلی خود را درباره اشعار پراکنده دقتی به‌زبان ترکی نوشته است.

در سال ۱۹۴۷ فرانسیسکو گابریلی F. Gabrieli از مستشرقان ایتالیایی در مقاله‌ای تحت‌عنوان Sguardo alla letteratura Persiana که برای کتاب تاریخ تمدن اسلامی storia e Civiltà Musulmana نوشت و در شهر ناپل به چاپ رسید از دقتی یاد کرد و همان اطلاعاتی را که بعد در مقاله دیگری به‌عنوان Letteratura Persiana مندرج ساخت و این مقاله اخیر جزئی بود از کتابی بنام Les Civiltà dell' Oriente و چاپ رم. گابریلی فقط به‌اشاره‌ای از دقتی گذشته است. چه نوشته‌هایش بنا بر طبیعت آن کتب از تفصیل خالی است و اصولاً برای عامه تحریر شده است.

اینک میرسیم به یکی از تألیفات شاخص شرقشناسی در زمینه تاریخ ادبی ایران، و آن کتاب تاریخ ادبیات ایرانی تألیف یان ریپکا J. Rypka مستشرق چک است که

اتفاقاً ترجمه فارسی آن که آقای عیسی شهابی از روی ترجمه آلمانی انجام داده در همین ایام اخیر انتشار یافته است. تألیف ریپکا ابتدا در سال ۱۹۵۶ به زبان چکی در پراگ به چاپ رسید. سه سال بعد یعنی در ۱۹۵۹ ترجمه آلمانی آن در لایپزیک نشر شد. بالاخره ترجمه انگلیسی کتاب به اهتمام کارل یان K. Jahn در ۱۹۶۸ در شهر او ترخت از بلاد هلند از طبع درآمد.

ریپکا سه صفحه از کتاب را به احوال دقیقی اختصاص داده است اما آنچه در تحقیق او تازگی دارد اظهار نظری است که در باب کشته شدن دقیقی به دست می دهد. او علت را به دلایل آنچه فردوسی در حق دقیقی گفته است به اخلاق خشونت آمیز و تند دقیقی منحصر می کند.

بی مناسبت نیست آنچه را که ریپکا درباره سهم دقیقی گفته است بیاورم. می گوید زحمات دقیقی مقدمه بلا فصل شاهنامه فردوسی بود و هنوز هم آثار آن درین منظومه به وضوح قابل درک است. درست است که دقیقی به تنهایی مبتکر سبک و وزن حماسی نبود ولی بی شک در پیشبرد این دو سهیم بوده است و نمونه ای پرداخته است که فردوسی هم به دنبال آن رفته است.

پس از ریپکا آربری Arberry یکی از مستشرقان انگلیسی، در سال ۱۹۵۸ کتابی به نام ادبیات کلاسیک فارسی در لندن نشر کرد که فقط نامی از دقیقی به جهت آغاز شدن شاهنامه به وسیله او در آن آمده است.

در سال ۱۹۶۰ یک تحقیق و یک اشاره درباره دقیقی انتشار یافت آن تحقیق عبارت بود از تجدید طبع فصلی که برتلس در سال ۱۹۳۵ در خصوص شعر فارسی منتشر کرده بود و طبعاً در آن به احوال دقیقی هم پرداخته بود و در سال ۱۹۶۰ جزء کتاب تاریخ ادبیات فارسی تاجیکی مجدداً انتشار یافت.

این تحقیق بطور نسبی یکی از وسیع ترین نوشته ها در احوال دقیقی است و ضمن آن ترجمه روسی مقداری از ابیات دقیقی را نیز به دست داده است.

اما اشاره ای که گفتم از آن السند روبوزانی A. Bausani مستشرق ایتالیائی است که ضمن مقاله ادبیات فارسی جدید Letteratura neopersiana مندرج در کتاب تاریخ ادبیات فارسی Storia Letterature Persiana تألیف آ. پالیایرو A. Pagliaro و آ. بوزانی به میان آمده است.

در سال ۱۹۶۱ آن قسمت از چاپ دوم دائرة المعارف اسلام که حاوی احوال دقیقی بود، منتشر شد. این چاپ همان مقاله کوتاه قدیمی چاپ اول را که نوشته هوار بود با تجدید نظرهایی از هائری ماسه دربر دارد.

در سال ۱۹۶۴ کتاب عالمانه ژیلبر لازار G. Lazard فرانسوی تحت عنوان

نخستین شاعران زبان فارسی و اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان در دو جزء نشر شد. یک جزء حاوی تحقیق در احوال شاعران و از جمله دقیقی بود. جزء دیگر دربرگیرنده متون اشعاری است که از شاعران پیشگام در شعر فارسی در دست است و از جمله دویت وسی و دویت از دقیقی را شامل است. لازار در تحقیق خود عقیده به زردشتی بودن دقیقی را به چند جهت مردود دانسته است: به استناد اسمش محمد بن احمد و به استناد دقائوق و صنایع شعری که هر شاعری دارد، ولی بیشتر به دویت شعر دقیقی که در تاریخنامه هرات سیفی یافته است متکی شده است.

در سال ۱۹۶۹ کتاب مختصر روبن لوی R. Levy به نام مقدمه بر ادبیات فارسی در لندن از طبع خارج شد که جز اشاره به اسم دقیقی مطلبی را درباره او نداشت. در همین سال ج. اسکارچیا G. Scarcia مستشرق ایتالیائی مقاله‌ای در باب ادبیات فارسی در کتاب تاریخ ادبیات شرقی چاپ میلان منتشر ساخت که باز حاوی اشاره‌ای به نام دقیقی بوده.

پس از و ایتالیائی دیگری بنام آنجلو پیه‌مونتته A. Piemontese در کتاب دو جلدی و زیبای خود به نام تاریخ ادبیات فارسی چند سطر را به احوال دقیقی اختصاص داد و همان مطلب معمولی را به چکیدگی تمام در آن آورد و ضمن آن ابیاتی را که اسکارچیا از دقیقی به ایتالیائی ترجمه کرده بود گنجانید و این آخرین مأخذی است که از کارهای مستشرقان درباره دقیقی دیده‌ام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی